

قاتل زهرا کاظمی، خامنه ای است

از مجموعه یادداشت های نیویورکی مجید محمدی

majidmohammadi@hotmail.com

همه اعضای شورای نگهبان با رد قانون منع شکنجه مجلس شریک خامنه ای در این قتل هستند و روزی باید در دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

ارسال پرونده قتل زهرا کاظمی توسط هیئت تحقیق رئیس جمهوری به قوه قضاییه دقیقاً ارسال پرونده برای قاتل و رفقای هم محفلی وی است

مرتضوی با یک واسطه (محسنی اژه ای) و گاه بدون واسطه دستوراتش را از خامنه ای می گیرد. اصولاً خامنه ای، مرتضوی و همکاران قصاب و چاروادارش را بدین دلیل به کار در قوه قضاییه گماشته است که با مخالفان و منتقدان و اصحاب رسانه ها با شدت هر چه بیشتر برخورد کنند. آنها این کاره اند و گرنه در چنین مقامی جای نمی گرفتند. قوای قهریه در ایران امروز پناهگاه امن جنایتکارترین ایرانیان قرار گرفته است. از این حیث ارسال پرونده قتل زهرا کاظمی توسط هیئت تحقیق رئیس جمهوری به قوه قضاییه دقیقاً ارسال پرونده برای قاتل و رفقای هم محفلی وی است، همچنان که در ماجرای قتل‌های زنجیره ای، حمله به کوی دانشگاه و موارد مشابه، پرونده ها برای دوستان و هم محفلی های قاتلان فرستاده شد.

مرتضوی و محسنی اژه ای و عموم مسئولان قوه قضاییه در دوران حکومت مافیایی خامنه ای کارکنان معمولی یک دستگاه دولتی نیستند که جنایاتشان را به پای خودشان بنویسیم. آنها ماموران مستقیم خامنه ای اند و ماموریت ویژه دارند و همه رفتار هایشان را با وی هماهنگ می کنند تا در زمان تحت فشار قرار گرفتن رییس مافیا از آنها حمایت کند (چنان که با حدت و شدت کرده است). نقدی و سعید امامی و سعید عسگر مورد لطف آقا قرار داشتند، یکی با تبرئه شدن (چون نیروی عملیاتی ای بود که چیزی برای عرضه به دیگران نداشت)؛ دیگری با خوراندن واجبی و زدن آمپول هوا (چون اطلاعاتش را نباید به دیگران عرضه می کرد)؛ و سومی با آزادی ظاهراً مشروط از زندان یا عفو آقا، چون خود آقا دستور ترور حجاریان را صادر کرده بود. معلوم نیست این چه "آقا"یی است که قصابان مامور خود را عفو می کند و نویسندگان را به قتل رسانده یا به زندان می افکند. قاتلان زهره کاظمی هم همانند بسیاری از قاتلان مخالفان خارج و داخل کشور چند ماه بعد با بورسیه تحصیلی دولت به انگلستان یا کانادا یا استرالیا، یا به مقامی در راینهای فرهنگی خارج کشور اعزام خواهند شد (چون حقوق ماهانه خود را به دلار می خواهند) یا پاداشی مثل یک تجارتخانه یا شرکت شهرک سازی در کانادا یا نیویورک یا دوی دریافت خواهند کرد. خامنه ای قدر عواملش را خوب می داند، بر عکس اصلاع طلبان حکومتی که همراهان خود را زیر فشار و سرکوب تنها می گذارند.

همه متهمان پرونده قتل‌های زنجیره ای بلا استثنا در دادگاه اعلام کردند که دستورات قتل از بالا به آنها عرضه شده است (از طرف دری و حاج آقا خوشوقت که هر دوی آنها از غلامان درگاه خامنه ای اند). چه کسی می تواند باور کند که پادو هایی مثل فلاحیان، دری، و خوشوقت و اژه ای و مرتضوی سرخود به قتل فروهرها، پوینده، مختاری و کاظمی و دهها مورد قتل‌های داخل و خارج از کشور اقدام کنند؟ چه کسی می تواند باور کند که بی سروپایی مثل نقدی یا سعید عسگر سر خود کوی دانشگاه تهران یا خوابگاه پرشت را با خاک یکسان کنند؟ خامنه ای در طول 15 سال حکومت خود همواره بی سر و پاترین افراد را به مقامات عالی رسانده تا هم از وی حرف شنوی تام و تمام داشته باشند، هم دست آقا را ببوسند، هم بشود براحتی آنها را بر کنار کرد و هم همه جور جنایت و خشونت از آنها بر بیاید.

همه کسانی که در داخل کشور زندگی می کنند و گرفتار این بی سر و پاها می شوند با خویشنداری و بر خورد محترمانه با آن اراذل و اوباش (که همه مقامات بالای قضایی، امنیتی نظامی و انتظامی اشغال کرده اند) از خشونت بیشتر و کنترل نشده آنها می کاهند و صرفاً بی احترامیها، تحقیرها و انفرادیهای طولانی مدت، شکنجه ها و دیگر موارد نقض حقوق خویش را متحمل می شوند چون بخوبی جلادان خود و مقام رعیتی خود را می شناسند. اما کسانی مثل زهرا کاظمی که خود را شهروند یک کشور غربی می دانند و فکر می کنند که دولت متبوع آنها به دادشان می رسند (اگر خبر شوند) یا آن اراذل و اوباش دستگاههای انتظامی و قضایی و نظامی و امنیتی ملاحظه گذرنامه غربی آنها را می کنند رویشان را در برابر لاتهای مافیای خامنه ای زیاد می کنند و در برابر تحقیرها و رفتارهای چارواداری مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی مثل دادستان تهران از کوره به در می روند. گزارش تحقیق چهار وزیر دولت خاتمی از پرخاشجویی و رفتار غیر طبیعی کاظمی در برابر عوامل مافیا سخن گفته است؛ حق با تنظیم کنندگان این گزارش است: هر کس که مثل رعایای ایرانی در برابر عوامل خامنه ای رفتار نکند غیر طبیعی است و رفتار مرتضوی و سعید عسگر و پادوهای آدمکش آنها طبیعی است. جنایات مافیا آن قدر گسترده بوده که مفاهیمی مثل طبیعی و غیر طبیعی را تغییر داده است.

از همین نکته گزارش در مورد رفتار غیر طبیعی زهرا کاظمی بقیه داستان را می توانید حدس بزنید. از کوره در رفتن زهرا کاظمی به حمله جانانه پادوهای خامنه ای مثل مرتضوی یا عوامل انتظامی یا اطلاعاتی به وی منجر شده و مشخص نیست که آلت قتاله کفش جناب مرتضوی است یا ابزارهای روی میز، یا آنکه وی را به طرفی هل داده اند و سرش را به میز یا زمین کوبیده اند یا کسی از آن قصابان سیلی و مشت را حواله وی کرده است. همه اعضای شورای نگهبان با رد قانون منع شکنجه مجلس شریک خامنه ای در این قتل هستند و روزی باید در دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. هر چه بر عمر نظام جمهوری اسلامی افزوده می شود دست اندر کاران آن بیشتر در جنایت به نحو مستقیم تری شراکت پیدا می کنند. اگر جاسوس معرفی کردن زهرا کاظمی توسط سایت محسن رضایی و حمایت محبیبان و دیگر رسالتی ها از مرتضوی شراکت در جنایت (با تبرئه قاتل یا قاتلان) نیست چه نامی می توان بر آن نهاد؟ دیگر دشواری می توان مدیر کل یا مشاور علی لاریجانی یا هاشمی شاهرودی یا قالیباف بود و از جنایات مافیای آنها خود را متبری دانست.

قتل زهرا کاظمی درسی است از خامنه ای و دوستان به همه دو ملیتی های ایرانی که اگر شهروند کشوری دیگر هستند فراموش نکنند که ایرانی و لذا رعیت و بدون هیچ حق و حقوقی هستند و مانند همه رعایای فلک زده با آنها رفتار خواهد شد. آنچه در اطلاعیه صادر شده از سوی مرتضوی به دست خوشوقت (مدیر کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد) بیش از همه پر رنگ است تاکید بر هویت ایرانی زهرا کاظمی است و بیان اینکه اگر سر مویی از آن کشور به ارث برده باشی مانند پوینده و مختاری و فروهرها با شما رفتار خواهد ضد. ایرانی بودن در قاموس مافیا یعنی حقیر بودن (چه بزنی و چه بخوری)، بی حق مطلق بودن، و شایستگی حکومت قصابانی مثل خانواده لاریجانی، اژه ای، مرتضوی و خامنه ای را دارا بودن. نتایج صدور دستور بیرحمی از سوی خامنه ای در آغاز تظاهرات خرداد ماه 1382 بالاخره باید در حوزه هایی به چشم جهانیان می آمد که قتل کاظمی یکی از آنهاست.

گذاشتن اقوام و منسوبان جناب رهبر مافیا، حتی در مشاغل دولت اصلاحات مثل مدیریت اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد، غیر از رسیدگی به قوم و خویشها، برای مواردی مثل قتل زهرا کاظمی است. خوشوقت - از منسوبان خامنه ای - و دیگر مقامات دولتی سالها حقوق و مزایای بالای دولتی می گیرند، ماشین دولتی زیر پای خود و گاه خانواده شان است، از دوستان و رفقای مدیر کل با بودجه دولتی پذیرایی می شود، سالی چند مرتبه سفر خارجی آقایان از کیسه مردم پرداخت می شود و به خرج دولت و در دفاتر دولتی از صبح تا غروب به فعالیتهای خصوصی شان مشغولند تا اگر روزی مرتضوی زنگ زد که این اطلاعیه را صادر کنید اطاعت امر کنند. در همین موارد است که دولت خاتمی عمده مافیا قرار می گیرد و بود و نبودش مساوی می شود.